

النظام

بقلم فقیر محمد خان

CoWper

ویلیم کاو پر

تولد کاو پر در سنہ ۱۷۳۱ است. این شخص یک حیات بسیار غم اندودی داشته. ابتدا به یک مکتب شخصی شامل و در آنجا مشغول تعلیم گردید. اما در اثر نهد بیداری که از طرف بعضی هم صنفی هایش میشد؛ از آنجا دل سرد و بمکتب (ویست منستر) فرستاده شد. بعدها بمجلس اعیان سمت کاتبی را اشغال کرد. مگر مشار الیه مناسبت این کار را نداشته بنظرش منفور بود و کوشش داشت که انتحار نماید. از همین سبب مرض جنون هم بر او استیلا نمود. گرچه بعد از کمی مدت تا یک اندازه خوب گردید. ولی باز هم از آتش باقی مانده بود. حینیکه کاو پر داخل یک حیات ادبی گشته شروع به ادبیات میکند؛ نسبتاً قسمت اعظمی از عمرش سیری گشته است. نظم های مهم کاو پر: دی ناسک (وظیفه) - تیل ناک (مکالمه سرد ستر خوان) - ترته (حقیقت) دی برا کریس آف ابرر (ارتقاء خطا) و منظومه معروف (جون گلبن) است. کاو پر در سنہ ۱۸۰۰ وفات کرده و نسبت بدیکر شعرائی انگلیسی در اشعار خود حیات خانه گی را بصورت حقیقی ترسیم کرده است. در بعضی مقامات میز که در اشعار این شاعر شهر دیده می شود؛ از قبیل حقیقت بیانی و تصویر کشی کاو پر نظیر ندارد. ترجمه اشعار کاو پر بطور نمونه:

علم و عقل

خراب ترین شب زمستان بود: صبحش تند و صفا مگر حالا که وقت چاشت است بر روی دامنه های جنوبی تپه های نشیب و جائیکه جنگلات از وزش باد های شمال سد میسازد؛ موسم تبسم میکند و از تندی خود بکلی دستکشیده عیناً گرمی ماه می (May) را دارا می باشد

آسمان جامه نیلی در بر و خالی از ابر، منظره باشکوه و درخشان روی زمین سراسر سفید و بیداغ - باز همان نعمات از بالای وادی می آید و آن برج محصنی که تمام موسیقی ها از آنجا نشأت میکنند از بین درختان به نظر جلو می دهد - آنرا ملائیم نعمات مواج را دو باره احساس کرده آن ها از زمانیکه بر روی خیابان سر سبز در زیر درخت های شاه بلوط و نارون الم (Elm) که شاخه های پراکنده آن بر بالای جاده چتری می سازند، قدم می زنم در افکار ملائیم خود جا می بندم - گرچه آن سقف (چتر درختها) با شاخه طولانی خود در حدی که باد آنرا می جنباند؛ لرزان است. با آنهم کفایت کافی داشته در راه افتادن خاموش قطرات متواتر برف سدی گشته راهی برایم حفاظت کرده است - هیچ آوازی در اینجا نیست یا نه کدام کسی که خیالات را مانع گردد - در اینجا گل سر (رید بریست Red - breast) تابه حال می بماند ولی بیشتر از نصف سرهای نازک و نفیس خود را از باد کشیده به عالم تمهائی خوش است و از شاخه بشاخه جهیده آنجائی که قرار میگیرد قطرات معلق یخ بسیاری از شاخه ها را مهتر ساخته از افتادن آنها بر روی برگ های خشک زمین (روی زمین) نفع تولید می گردد - آرامی مخلوط با اینچنین اصوات نازک بیشتر از خاموشی خوش آید است. در اینجا اندیشه شاعرت را به تائیه ها تحویل داده دل (عشق) به سر (عقل) درس مفیدی میدهد و علم بدون توسط کتابهایش عاقلتر می گردد. علم و عقل از یکدیگر دور (متمایز) بوده اکثر اوقات هیچ علاقه و ارتباطی بهم نداشته نمیباشد - علم در کله هائی جا داشته می باشد که از افکار اشخاص دیگر مملو باشند. اما عقل به ضائری که بخود متوجه باشند مسکن دارند، علم مانند سنگ بیفایده ناتراشی بوده محض مصالحی است که با آن عقل استعمار میکند و تا زمانی که هموار تراش خورده و مطابق ضرورت صورت داده نشود؛ شخصی را که میخواهد متمول و مستفید بسازد بر عکس در زیر بار می آورد - علم مفتخر به این است که بسیار آموخته و عقل متواضع است با اینکه بیشتر میداند - کتاب های فنی اکثراً کلمات و افسون های هستند که بدان ذریعه سحر آمیزی اذهان مولفین يك مجمع مردمان بی فکر را محکوم خود میسازد بعضی به

سحر آمیزی اسم کتاب فریب خورده رای خود را تسلیم میدارند بعضی از آهنگ تحریر کتاب گول زده بیک لهجه مفتونی در بین راه های پر پیچ و وحشت های خطا رهنمونی میدارد در حالیکه یک عده بسیار زیاد دیگر را که خستگی افکار را تحمل برداشت نمیتوانند قسمی گول میخورند که گویا بدون توقف و اندخاب، هر خوب و بد را ناپهیمیده و بدون سنجش یکجا قبول میدارند - مگر درخت ها - جو بیار ها که رفتار سریع آن ها در مقابل ممانعت زمستان مبارزه می نماید همچنین، مرغزار های آهوان و چرا گاهای گوسفندان که بر از بره های آواز گمان می باشد - جاده های که دران گل های اول بهار قبل از موسم از بین گیاه های (Moss) که ریشه های بته های ضفچه (Hawthorn) را احاطه کرده می براید هیچ یک اینها هرگز طالب ایلمی را گول نمیدهند عقل و حقیقت در آنجا قسمی که گمنامه گیر میباشند گمنامه گیر نبوده خیالات در هم را بیکدفعه گرفته بجاهایش نصب میدارد -



پرتال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی